

نه یک بار، که بارها

درس های 18 تیر را باید مرور کرد

شیخون به خوابگاه دانشجویان - کوی دانشگاه- در 18 تیر 1378 که با قصد کودتا علیه دولت خاتمی صورت گرفت، حاوی درس هائی است که جنبش مترقی و تحول طلب ایران در هر زمان و سال و تاریخی باید آن را به یاد داشته باشد و درس های آن را به کار بندد. آن شیخون هم به گفته مصطفی تاج زاده معاون سیاسی وقت وزارت کشور، هم به نوشته محمدعلی ابطی رئیس دفتر وقت خاتمی و هم اعتراف روح الله حسینیان در مصاحبه ای که چند ماه پس از آن با وی انجام شد و در راه توده انتشار یافت، آغاز یک عمل کودتائی بود که گام های پس از آن را توانستند در روزهای 23 و 24 تیرماه بردارند و اگر نبود بیم از واکنش ملی، دولت خاتمی را در 25 تیرماه تغییر می دادند و خود او را خانه نشین می کردند. گروه های فشار سازمان یافته ای که به درون تحصن دانشگاه راه یافتند و از یکسو زمین ساز خروج شماری از دانشجویان از دانشگاه و از سوی دیگر مبتکر به آتش کشیدن بانک ها و موسسات دولتی شدند، پیاده نظام فرماندهان پشت صحنه کودتا بودند.

هیجان، خشم و خوش خیالی های دانشجویان که با واقعیت توازن نیروها در حاکمیت همخوانی نداشت موجب از کف رفتن بزرگترین فرصت برای تعمیق اصلاحات شد. از غروب 19 تیر و صبح 20 تیر که مجامع روحانی از قم اعلام داشتند به طرف تهران حرکت کرده و به تحصن خواهند پیوست، امید به تغییرات جدی در راس حاکمیت تقویت شد. آنها که متحصن بودند این فرصت را نشناختند و عوامل نفوذی مخالفان دولت و پیاده نظام کودتا نیز با تشویق دانشجویان به تظاهرات خیابانی بر این خوش خیالی افزودند. دانشجویان هیجان زده و خشمگین و درعین حال کم اطلاع از ساختار حکومت و توازن نیروها این موقعیت را درک نکردند، اما حکومت و طراحات کودتا بسیار زود متوجه خطر بزرگ شکل گیری و گسترش تحصن در دانشگاه تهران و پیوستن طیف های مختلف روحانی و غیر روحانی به آن شدند و به همین دلیل بر شتاب خود برای کشاندن دانشجویان به خارج دانشگاه افزودند و حریق و تخریب را در شهر سازمان دادند تا سرکوب خونین و کامل کننده شیخون 18 تیر کامل شود و در صورت امکان کودتای عقیم مانده 18 تیر را روز 24 و 25 تیرماه کامل کنند. درست مانند کودتای 25 مرداد که عقیم ماند و طراحان کودتا با سازمان دادن دوباره خود، تجدید آرایش و تظاهرات خیابانی (با استفاده از اوباش و فواحش) روز 28 مرداد کار خود را دنبال کردند. کودتای 28 مرداد موفق شد زیرا جنبش ملی از دل یک انقلاب و رای عظیم به اصلاحات بیرون نیامده بود و کودتای 24 و 25 تیرماه 1378 علیه خاتمی نمی توانست تا پایان به موفقیت دست یابد زیرا طراحان توطئه کودتائی با جنبش مردم روبرو می شدند. آنها که گزارش های سیما و مطبوعات دست راستی و عکس ها و فیلم های منتشر شده تظاهرات روز 24 تیرماه 1378 را بخاطر داشته باشند، می دانند که در آن روز هرکس در تظاهرات عکس خاتمی را در اختیار داشت و یا بلند می کرده بود کتک می خورد و عکس های او پاره می شد. آنها می خواستند همان 24 تیر کار را یکسره کنند، اما جمعیتی که سازمان یافته برای تظاهرات به خیابان آورده بودند، حداکثر 400 هزار نفر بود که تازه بخش زیادی از آن طرفدار خاتمی بود. این اعترافی است که روح الله حسینیان از طراحان آن کودتا در مصاحبه خود آن را طرح کرد.

درس های 18 تیر 1378 تنها شامل حال نیروهای داخل کشور نمی شود. در خارج از کشور نیز بسیاری از سازمان های سیاسی تابع هیجان تحصن شدند و به همین دلیل یا نتوانستند موضع مخالفت با خروج دانشجویان از دانشگاه بگیرند و یا غم انگیز تر از آن، مشوق

تظاهرات خیابانی شدند. حتی پس از تظاهرات 24 تیرماه نیز بودند نشریات و سازمان های سیاسی که ارزیابی راه توده از عملیات کودتائی آن شبیخون را به ریشخند گرفتند. گرچه پس از مصاحبه ها و نوشته های امثال تاج زاده و ابطحی و فاش شدن پشت صحنه های آن واقعه، از این موضع خود عقب نشینی توام با سکوت کردند و این شهادت و صداقت را نداشتند که بنویسند اشتباه کرده بودند و راه توده ماجرا را درست تر دیده بود.

به شهادت گزارشی که از شماره 86 (مرداد ماه 1378) برگرفته و می خوانید، در 4 شب و 5 روز حادثه، ما با هر امکانی که در اختیار داشتیم و از جمله فاکس به هر شماره ای که از دفتر تحکیم وحدت و سازمان ها و احزاب سیاسی در اختیار داشتیم نظرات خود را در میان گذاشتیم و اخبار را نیز پخش کردیم. شاید، اگر در آن سال و دوران اینترنت با وسعت امروز در اختیار بود، سرانجام شبیخون و تحصن دانشگاه به گونه متفاوت با آنچه شد، می شد. تمام توصیه و کوشش ما آن بود که با بهره گیری از تجربه گذشته ها، به دانشجویان خشمگین و متحصن موقعیت دولت، توازن نیرو و ضرورت پایبندی به پیروزی های گام به گام و نه همه پیروزی در این یک مرحله را یادآور شویم. آن تحصن می توانست بزرگترین پشتوانه اصلاحات شود، اما توطئه گران آگاه تر از دانشجویان عمل کردند.

اصرار ما در انتشار و باز انتشار گزارش ها و اطلاعیه های آن واقعه، تنها نمایش واقع بینی ما از حادثه نیست، بلکه از آن مهم تر، فراموش کردن درس های آن واقعه است. درس هایی که جنبش چپ دانشجویی با کمال تأسف در یکی دو سال اخیر به آن رجوع نکرد و همینجا بار دیگر به آنها توصیه می کنیم به جای مقاله پرانی های طولانی و خسته کننده علیه هم، تاریخ جنبش دانشجویی و تاریخ کنفدراسیون دانشجویی را مرور کنند. اولی در داخل کشور که به خودکشی چریکی انجامید و دومی که در خارج از کشور آتش بیار این معرکه شد.

راه توده 186 21.07.2008